

اگر درست به قرآن عمل می‌کردیم...  
اگر درست به قرآن عمل می‌کردیم، با عمل خود دیگران را جذب می‌کردیم؛ زیرا مردم غالباً به جز عده معدود، خواهان و طالب نور هستند، و آنان که به اسلام و قرآن نگریده‌اند، قاصدند و نور به آن‌ها عرضه نشده است. این‌گونه افراد به اعمال ما و رفتار ما نگاه می‌کنند، که در ظاهر خوب، و در باطن بد است و زیر و روی آن با هم تفاوت دارد!

اگر راست می‌گوییم که قرآن سلاح است، پس چه احتیاج به سلاح دیگر؟ اگر به قرآن عمل می‌شد، آیا این همه بین مسلمانان جنگ و خونریزی واقع می‌شد؟! با قیمت نفت سلاح تهیه می‌کنیم و به جان هم می‌افتیم و برادرکشی می‌کنیم!  
عمل به قرآن، یعنی این‌که از ظالم کناره‌گیری کنیم و ظالم را لعن کنیم و از او تبری بجوییم ولی عموم ما مسلمانان، یا خود ظالم هستیم، و یا با ظالم هم‌پیمانیم!

اگر هدایت انبیا علیهم‌السلام نبود...  
انسان احتیاج به معلم و هادی دارد، و وظیفه انبیا علیهم‌السلام ارشاد و هدایت مردم است. آیا می‌شود گفت که ما از تعلیم و هدایت انبیا علیهم‌السلام مستغنی هستیم؟! خداوند متعال این همه پیامبر برای تعلیم و هدایت بشر ارزانی داشته است، ولی بشر از آن‌ها استفاده نکرده و نمی‌کند! چه قدر انسان از انسانیت دور است! اگر بین خالق و مخلوق رابطه نبود، و هدایت انبیا علیهم‌السلام نبود، افراد بشر شب و روز به جان یکدیگر می‌افتادند و برای یکدیگر چاه می‌کنند!

#### آثار شوم رشوه‌خواری

کفار انگیزه بسیار قوی بر تسخیر بلاد مسلمانان داشتند، زیرا می‌خواستند تا آن‌ها را عبد ذلیل خود بکنند! چه کنیم؟ آیا راه چاره‌ای برای نجات از سلطه و شر آن‌ها وجود دارد؟  
می‌دانیم که اساس کارشان در تسخیر و تسلط بر ما، رشوه دادن است، آیا ممکن است مسلمانان با تطمیع و رشوه دشمنان را قبول نکنند و از این راه مغلوب نشوند؟

با این‌که این عمل اختیاری آن‌هاست؟

آری، با رشوه، رؤسای مسلمان‌ها را استعجاب می‌کنند. لذا نباید کاری کنیم که فریب بخوریم، تا با توسل به رشوه‌کار ما را بسازند. هیچ چیز دیگری به اندازه رشوه در نفوذ و سیطره آن‌ها بر ما کارگر نیست. آن‌ها به دست ما

مسلمانان بر ما مسلط می‌شوند. کار امیرالمؤمنین علی‌السلام را هم با رشوه تمام کردند؛ زیرا، معاویه به پسر عثمان گفت: هر گاه خاطر جمع شدی که پیروز می‌شوی، اگر عقب‌نشینی کنی خراسان مال تو است، بالاخره خراسان را به پسر عثمان داد.

#### چرا برای تفاهم و صلح دور هم نمی‌نشینیم؟

مسلمانان بلکه شیعه‌ها که برگزیده از میان برگزیدگان هستند، بلکه انسان‌های متدین و عاقل از اهل مذهب حق، حاضر نیستند که دور هم بنشینند و بر اساس وجدانیات و احکام عقلیه که همه بدان معترفند، با هم صلح کنند! بنابراین، ما چه انتظار از سازمان بین‌المللی و سازمان حقوق بشر داریم؟!

در جنگ بین دو طایفه یا باید هر دو فاسد باشند، یا یکی از آن‌ها؛ زیرا اگر هر دو صالح و اهل صلاح باشند، با هم جنگ نخواهند داشت، بلکه سلاح را زمین می‌گذارند و می‌نشینند و با هم تفاهم و مصالحه می‌کنند.

سازمان ملل هم در حل اختلافات تابع دولتی است که از همه، اقوی و قدرتمندتر باشد، و اگر جنگ به ضرر آن‌ها باشد و نخواهند ادامه یابد؛ از آن جلوگیری می‌کنند، و گرنه، نه.

بین دو فرقه از مسلمانان جنگ می‌اندازند، تا بر هر دو غلبه کنند!

دشمنان اسلام درگیری بین اهل اسلام را غنیمت می‌شمارند، جنگ بین اخوین می‌اندازند تا بر هر دو غالب شوند. بین شیعه و سنی جنگ می‌اندازند، تا بر هر دو غلبه کنند! بعضی را معذور نمی‌دانیم که عالم‌آمداً علیه دین و متدینان اقدام می‌کنند، به خدا پناه می‌بریم

## مواضع سیاسی اجتماعی آیه‌الله العظمی بهجت (ره)

از «شُرور اُنفسنا و شرور الناس»؛ (خودمان و شرور مردم) از امحاء و نابودی و پاک‌گذاشتن بر روی حق! اتحاد در حق است، نه در باطل

خدا می‌داند که افراد بشر چه قدر در امر دین مردگان خود مختلفند؟! برخی از طوایف مردگان خود را می‌سوزانند، برخی دیگر مردگان خود را با لباس‌های فاخر و جواهرات دفن می‌کنند تا در آن جا محروم



نداشتند، پس آن‌ها مخالف قرآنند و ما هم با آن‌ها مخالفیم، و شما هم باید با آن‌ها مخالف باشید. بنابراین، بین ما و شما نزاع و اختلافی نباید باشد. این کفار هستند که نزاع را میان ما و شما تشدید می‌کنند و اخباری و اصولی و... درست می‌کنند.

این‌اثر در مواردی نقل کرده که بین دو طایفه از اهل تسنن مانند مالکی و حنفی، یا حنفی و حنبلی در بغداد سال‌ها نزاع و درگیری بوده است. و در مواردی که بین دو طایفه از شیعه اختلافی ذکر کرده، گفته است: تعجب این‌که این دو طایفه با هم می‌جنگند در حالی که، «کلنا الطائفتین من الشیعة» هر دو طایفه از شیعه هستند.

با این‌که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «علی مع القرآن و القرآن مع علی». علی علیه‌السلام با قرآن است و قرآن با علی علیه‌السلام است، چه شده که از مشورت با علی علیه‌السلام سرکشی کردیم و در هیچ کاری با او مشورت نمودیم؟ آن روزی که او قرآن را جمع‌آوری نمود و آورد و گفت: من باید آن را تفسیر و اجرا کنم، گفتیم: بگذار و برو! با این‌که قرآنی که در دست ما است هم این آیه را دارد که: «ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا»، حشر: ۱۷. آن‌چه را که رسول برای شما می‌آورد، بپذیرید، و آن‌چه از آن نهی می‌کند خودداری کنید.

آری، به زبان حال به علی علیه‌السلام می‌گوییم: از قرآنی که رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله به دست ما داده نمی‌ترسیم، از قرآن تو می‌ترسیم؟! راه مقابله با کفار

بزرگان ما هر چه به ما گفتند: با کفار محبت و مودت نداشته باشید، با آن‌ها هم‌پیمان نشوید، آن‌ها را یاری و تقویت نکنید، گوش نکرده‌ایم، و حالا هم شنیده شده که کفار

در هر حادثه‌ای که برای ما پیش می‌آوردند، می‌اندیشیم؟! وضع طوری شده است که افراد بشر نمی‌توانند راحت

در کنار هم زندگی کنند، مانند یک اطاقی که نمی‌شود با درندگان در آن زندگی نمود. با این‌گونه افراد درنده‌خو و سلطه‌جو چه کنیم؟! اغلاط سیاسی سیاسیون امروز...

چه بسا اغلاط سیاسی سیاسیون مسلمان امروز، به مراتب بدتر از آن‌هاست. استخدام و خادم‌کفار شده‌اند به شرط این‌که رئیس مسلمانان، و حاکم ممالک اسلامی باشند و آن‌چه کفار می‌خواهند، بکنند! نظیر رضا پهلوی در ایران و مصطفی کمال در ترکیه و سایر حکام و رؤسای دولت‌های اسلامی فعلی، میلیون‌ها حجازی و مصری را از مذهب و فقه جعفری منحرف کردند.

عجب است که این‌ها را می‌فهمیم و باز مثل آن‌ها انجام می‌دهیم. اگر کفار ما را قابل و لایق ببینند، این‌گونه بر ما مسلط می‌شوند! زیرا می‌بینند هر چه بخواهند حاضریم انجام دهیم و تابع و مطیع محض آن‌ها هستیم. ترقی نکرده‌ایم، تنزل کردیم!

ما مسلمان‌ها ترقی نکرده‌ایم، تنزل کردیم، به حدی که امروز کفار به جای این‌که به مسلمانان جزیه بدهند، از آنان جزیه می‌گیرند، نه تنها جزیه می‌گیرند که آن‌ها را استعجاب و استرقاق می‌کنند!

آن‌ها می‌نشینند و برای آینده ما نقشه می‌کشند که چه کار کنند که بتوانند بهتر بر ممالک اسلامی مسلط باشند و منابع آن‌ها را به یغما ببرند و چه بسا با هم در این امر متحد شوند، ولی ما در تفرقه به سر می‌بریم! و یا این‌که در هر حادثه‌ای که برای ما پیش می‌آوردند، می‌اندیشیم؟! وضع طوری شده است که افراد بشر نمی‌توانند راحت در کنار هم زندگی کنند، مانند یک اطاقی که نمی‌شود با درندگان در آن زندگی نمود. با این‌گونه افراد درنده‌خو و سلطه‌جو چه کنیم؟! چه کارهایی کردیم؟ یک نماز را با عامل این زبیر خواندیم و نماز دیگر را با عامل عبدالملک، یک نماز با حجاج قاتل، و قبل از او با عبدالملک مقتول... آیا درست است که برای تعیش یا ادامه حیات که بین موت و حیات است، این همه از راه نامشروع برویم؟! فصل الخطاب نزاع شیعه و سنی

حالا ما کاری با شما نداریم، بلکه می‌گوییم: اختلاف ما با شما، مثل حنبلی، شافعی و حنفی و... است، اگر اسلاف شما مودت‌ذی‌القربی را که در قرآن آمده است، داشتند ما هم با شما و آن‌ها موافق هستیم؛ و اگر

گفته‌اند: اوضاع مسلمانان دست ما است! چه کار باید کرد؟ به حسب ظاهر هیچ کاری لازم نیست مگر این‌که مسلمانان تصمیم بگیرند بلاد اسلامی با کفار رابطه نداشته باشند. رابطه ما با آن‌ها رابطه مملوک با مالک است: «عبداً مملوفاً لا یقدر علی شیء»، نحل: ۷۵؛ بنده مملوکی که توان انجام هیچ چیزی را ندارد، آیا ذلتی از این بالاتر؟! بیدار نیستیم، بیدار نمی‌شویم، که در خواب غفلت به سر می‌بریم. معلوم می‌شود لایق نیستیم که رییس و رهبر و امام ما غیبت نموده است.

لزوم همدردی با مؤمنان سعدی می‌گوید: بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

مرحوم حاج شیخ عباس قمی در سفینه‌البحار روایتی نقل می‌فرماید که گویا این شعر اقتباس از آن است. اگر کسی در امثال و حکم و اشعار تتبع کند، می‌تواند مجموعه بزرگی از آثار جمع‌آوری نماید.

در روایت این مضمون آمده است که: گاهی مؤمن به غصه و اندوه مبتلا می‌شود و سبب آن را نمی‌داند. سبب آن، ابتلای مؤمن دیگری است به بلایی در اقصی نقاط عالم و گاهی رفع بلا از او، موجب شادی و برکت برای مؤمنین دیگر می‌شود.

آیا با این همه بلاها که برای مسلمانان به خصوص برای شیعه وارد می‌شود، ما نباید هیچ غم و اندوه داشته باشیم؟ آیا باید بی تفاوت باشیم؟ یا باید حال ما در نگرانی و ناراحتی مثل این باشد که بلا بر سر خود ما می‌بارد؟! یکی از علایم آخرالزمان و قیام و ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است که: «عند قسوة القلوب»، (هنگام سنگدلی مردم) بحارالانوار: ۱۶۳/۵۷؛ در توفیق شریف به نقل از حضرت حجت

عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به این صورت آمده است: «وذلك بعد طول الأمد و قسوة القلوب و امتلاء الأرض جوراً»؛ (ظهور بعد از گذشت زمان طولانی و سنگدل شدن مردم و پُر شدن زمین از ستم، خواهد بود). در هر حال، با ما اتمام حجت کرده‌اند که اگر در این زمان تکلیف خود را بدانیم و بدان عمل نماییم، باید از خوشحالی کلامان را به هوا بیندازیم، و در مواردی که اصالت برائت جاری نیست مثل موارد دماء و اموال خطیره و اعراض و اسلام و ضروریات دین به احتیاط عمل کنیم.